

اخبار و گزارش های کارگری 16 خرداد ماه 1403

- سی و ششمین روز تجمع اعتراضی جمعی از جوانان جویای کار هفت تپه نسبت به بیکاری و عده های توخالی مسئولان مقابل مجتمع کشت و صنعت هفت تپه

- دومین چهارشنبه اعتراضی صدها گندمکار خوزستان نسبت به عدم پرداخت مطالباتشان پس از 2 ماه تحویل محصول به دولت و عده های توخالی دولت و مسئولان با تجمع مقابل استانداری

- بیانیه کانون نویسندگان ایران:

این روزها؛ سرکوب فزاینده، تداوم ایستادگی

- جان باختن یک کارگر کارخانه فروآلیاژ کرمان بر اثر انفجار

- جان باختن یک کارگر راه آهن اصفهان بر اثر تصادف

- بازهم واژگونی سرویس رفت و آمد کارگران قربانی گرفت ایندفعه مصدومیت 16 کارگر کارخانه ذغالشویی البرز شرقی

- جان باختن یک کارگر ماهیگیر در شهرستان ایوان بر اثر برق گرفتگی

*سی و ششمین روز تجمع اعتراضی جمعی از جوانان جویای کار هفت تپه نسبت به بیکاری و عده های توخالی مسئولان مقابل مجتمع کشت و صنعت هفت تپه

روز چهارشنبه 16 خرداد برای سی و ششمین روز متوالی، جمعی از جوانان جویای کار هفت تپه برای اعتراض به بیکاری و عده های توخالی مسئولان به تجمعشان مقابل مجتمع کشت و صنعت هفت تپه ادامه دادند.

یادآوری: ادامه تجمع اعتراضی جمعی از جوانان جویای کار هفت تپه نسبت به بیکاری و عده های توخالی مسئولان مقابل مجتمع کشت و صنعت هفت تپه

روزشنبه 5 خرداد، جمعی از جوانان جویای کار هفت تپه در ادامه اعتراضات دامنه دارشان + نسبت به بیکاری و عده های توخالی مسئولان به تجمعشان مقابل مجتمع کشت و صنعت هفت تپه ادامه دادند و خواهان اشتغال در این شرکت شدند.

یکی از این جوانان حاضر در تجمع به خبرنگار رسانه ای گفت: از حدود 24 روز پیش مقابل درب ورودی شرکت هفت تپه جمع شده ایم ولی علارغم وعده برخی مسئولان شرکت برای جذب ما جوانان بیکار، متأسفانه اوضاع هیچ تغییری نکرده و بیکاری ما بومی ها همچنان ادامه دارد.

*دومین چهارشنبه اعتراضی صدها گندمکار خوزستان نسبت به عدم پرداخت مطالباتشان پس از 2 ماه تحویل محصول به دولت و عده های توخالی دولت و مسئولان با تجمع مقابل استانداری

روز چهارشنبه 16 خرداد برای دومین هفته متوالی+، صدها گندمکار خوزستان برای اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان پس از 2 ماه تحویل محصول به دولت و وعده های توخالی دولت و مسئولان مقابل استانداری تجمع کردند.



+تجمع اعتراضی گندمکاران خوزستان نسبت به عدم پرداخت مطالباتشان پس از 2 ماه تحویل محصول به دولت مقابل استانداری

روز چهارشنبه 9 خرداد، گندمکاران خوزستان برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به عدم پرداخت مطالباتشان پس از 2 ماه تحویل محصول به دولت مقابل استانداری تجمع کردند و خواهان پرداخت فوری طلبشان شدند.

***بیانیه کانون نویسندگان ایران:**

این روزها؛ سرکوب فزاینده، تداوم ایستادگی

قتل مهسا (ژینا) امینی در شهریور ۱۴۰۱ موج دیگری از جنبش اعتراضی و آزادی خواهانهی مردم را به راه انداخت، فرازی شد از دههها مبارزه و «زن، زندگی، آزادی» نام گرفت. زنان روسری سوزان به راه انداختند و پرچم دار شدند، دانشجویان و دانش آموزان مقاومتی فراموش نشدنی را رقم زدند و فریاد آزادی خواهی و ضرورت تحقق آزادی بیان از گوشه گوشه ی کشور به گوش رسید. بازداشت های بی شمار و گستردگی اعتراض های عمومی سبب شد که حکومت و ادار به نمایش «عفو»

شود، گشت‌های ارشاد را از خیابان‌ها جمع کند و به مدد بازوهای تبلیغاتی‌اش خبر از «سهل‌گیری» بدهد.

قریب به دو سال از جنبش «زن، زندگی، آزادی» گذشته، به‌ظاهر آب‌ها از آسیاب افتاده و موج دیگری از اعتراض‌های عمومی فروکش کرده است. حکومت در این دو سال ذره‌ای از سرکوب‌گری خود نکاسته و اکنون نیز بار دیگر شمشیر را از رو بسته تا مبدا «خدای ده‌می شصت» از یادها برود؛ گشت‌های ارشاد به خیابان‌ها بازگشته‌اند و علاوه بر ضرب و جرح، پتویچ کردن را هم به برنامه‌های خود افزوده‌اند تا «طرح نور» بی‌هیچ درز و روزنی بر زنان آوار شود و روزگارشان را سیاه کند. فضای دانشگاه‌ها بیش از پیش پادگانی شده است و تصفیه‌ها و اخراج‌ها همچنان ادامه دارد؛ آخرین نمونه‌اش حبس زنان دانشجوی دانشگاه خواجه‌نصیر که به بهانه‌ی تن ندادن به «حجاب اجباری» از ورود به دانشگاه و خروج از خوابگاه منع شده‌اند و این‌چنین دانشگاه به زندان برخی از آنان بدل شده است. بازداشت و احضار کاربران شبکه‌های اجتماعی همچنان ادامه دارد و تا کنون صفحه‌های بسیاری «به حکم دادستانی» مسدود شده‌اند؛ خواه به بهانه‌ی انتشار تصاویری با پوشش اختیاری، خواه به بهانه‌ی انتشار مطالبی در اعتراض به وضعیت موجود و خواه به بهانه‌ی «جریحه‌دار کردن افکار عمومی» آن‌جا که مردمی احساس خودشان را در خصوص واقعه‌ای بیان کرده‌اند. چنان‌که اخیراً شماری از مردم به دلیل بیان کردن احساس‌شان در باب مرگ ابراهیم رئیسی بازداشت شده‌اند. به این موارد باید تعقیب و آزار مداوم فعالان صنفی و مدنی را هم افزود، و نیز آزار زندانیان سیاسی و عقیدتی و خانواده‌های آنان را که همه و همه حکایت از خفقانی روزافزون دارند.

آنان که نباید آزادانه بیان‌دیشند، بگویند و بنویسند، بیوشند، اعتراض کنند، حق‌شان را بخواهند و احساس‌شان را بیان کنند عملاً با کالبد بی‌جان زندگی سروکار دارند و تنها به‌شکل آمار و عدد در شمار زندگان می‌آیند. حکومت نیز همین نیست و نابود شدن را می‌خواهد؛ مردمان آزادی‌خواه را گاه «خس و خاشاک»، گاه «اغتشاش‌گر»، گاه «معاند» و گاه «عوامل بیگانه» می‌نامد و همواره در تدارک تحمیل سکوت و سکون بر آنان است.

این خفقان گلوی مردمی را می‌فشارد که هم‌زمان استخوان‌هایشان زیر بار فشارهای اقتصادی در حال خرد شدن است؛ مردمی که حتی به گواه آمارهای حکومتی روز به روز فقیرتر می‌شوند و بیش از پیش در تامین نان و آب و سرپناه خود درمی‌مانند. و مگر بدون سرکوب آزادی بیان، بدون پتویچ‌کردن و ربودن زنان، بدون فشار روزافزون بر کارگران و دانشجویان و بدون انباشتن زندان‌ها از مردمان معترض می‌شود به فساد سازمان‌یافته و انقیاد و استثمار ادامه داد؟ از همین روست که دهان نمایندگان و ماموران حکومت نیز تنها به قصد تهدید و ارباب باز می‌شود و آنان بی‌وقفه تداوم خفقان را نوید می‌دهند، تا این‌چنین راه نفس‌کشیدن مردمان بسته و راه جولان تبه‌کاران و اختلاس‌گران باز بماند. چنان‌که اخیراً یکی از آنان گفته است «نظام باید سنگر حجاب را پس بگیرد.»

همین استعاره‌ی «سنگر» نشان می‌دهد که حکومت همواره خود را در جنگ مداوم با زنان و مردم می‌بیند. مردمی که «دشمن» اند و سرکوب‌گران باید در خیابان‌ها، دانشگاه‌ها، صفوف اعتراضات صنفی و معیشتی، در خانه‌هایشان و حتی در زندان‌ها حساب‌شان را برسند. اما ناگفته پیداست که این تهدیدها، جز تکرار عبث تقلایی چهل و چندساله، گویای شکستی تمام عیار نیز هست و اقرار به این‌که آن «سنگر» پیش‌تر فتح شده است، چنان‌که سنگرهای بسیار دیگر. انزجار و خشم عمومی از

سرکوب‌گری حکومت در کوچه و خیابان، و نیز پشت سد سانسور و در شبکه‌های اجتماعی خود نمایان‌گر همین شکست است. اگرچه حکومت عزم خود را جزم کرده تا به ضرب و زور یا بهمدد کارناوال‌هایش این خشم و انزجار را مدفون کند، اما تاریخ جنبش‌ها و خیزش‌های مردمی گواه آن است که آزادی‌خواهی همواره زنده می‌ماند و سر بر می‌آورد، حتی اگر در فراز و فرودهایش آزادی‌خواهان بسیاری به خون کشیده شوند و به خاک افتند.

اکنون نیز مبارزه‌ی هرروزه‌ی زنان، تداوم مقاومت دانشجویان، استمرار اعتراض‌های معیشتی کارگران و بازنشستگان و واکنش‌های گسترده‌ی مردم در شبکه‌های اجتماعی، بهرغم سانسور و محدودیت‌های اینترنت، گواه تداوم آزادی‌خواهی است. و بی‌تردید باید اذعان کرد که در این راه پر نشیب و فراز حضور و پایداری زنان همواره به‌شکلی مضاعف اثرگذار بوده است. زنان بهرغم سال‌ها سرکوب سیستماتیک، منع و تبعیض سازمان‌یافته و پایمال شدن بدیهی‌ترین حقوق‌شان هرگز از حضور در عرصه‌های اجتماعی و اعلام خواسته‌هایشان پا پس نکشیده‌اند و این روزها نیز هر زن که با پوشش اختیاری قدم به کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌گذارد نماد این مقاومت و پایداری است.

کانون نویسندگان ایران همواره بر حق آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا برای همگان پای فشرده است. اکنون نیز به حکم همین اصل بنیادین منشور خود، ضمن حمایت از خواسته‌های زنان، سرکوب آزادی بیان از سوی حکومت را محکوم می‌کند و تمامی نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان آزادی‌خواه را فرامی‌خواند تا هرچه بیش‌تر پژواک صدای مردم معترض و تحت سرکوب باشند.

۱۶ خرداد ۱۴۰۳

***جان باختن یک کارگر کارخانه فروآلیاژ کرمان بر اثر انفجار**

روز چهارشنبه 16 خرداد، یک کارگر 50 ساله کارخانه فروآلیاژ واقع در دوراهی راین کرمان حین کاربرشکاری بر روی تانکر گازوئیل بر اثر انفجار مخزن دردم جان خود را از دست داد.

***جان باختن یک کارگر راه آهن اصفهان بر اثر تصادف**

یک کارگر راه آهن اصفهان بنام علی گل‌کاریان در مسیر راه خانه به محل کار بر اثر جراحات سنگین ناشی از تصادف جان باخت.

***بازهم واژگونی سرویس رفت و آمد کارگران قربانی گرفت ایندفعه مصدومیت 16 کارگر کارخانه ذغالشویی البرز شرقی**

سه شنبه شب (15 خرداد)، مینی‌بوس حامل کارگران کارخانه ذغال شویی شرکت ذغالسنگ البرز شرقی در جاده دامغان - شاهرود واژگون شد و 16 کارگر مصدوم و به بیمارستان منتقل شدند.

***جان باختن یک کارگر ماهیگیر در شهرستان ایوان بر اثر برق گرفتگی**

روز سه شنبه 15 خرداد، یک کارگر حین کار ماهیگیری در رودخانه کنگیر شهرستان ایوان در استان ایلام، دچار برق‌گرفتگی جان باخت.

akhbarkargari2468@gmail.com